

برآمدن اسلام

مستطاب سرفروش كرتيس، سارا استوارت
تجمه‌ي كاظم فيروزمند



The Rise of Islam
Vesta Sarkhosh Curtis
 &
Sarah Stewart

برآمدن اسلام

گروه مؤلفان

ویراستار: دکتر سارا سرخوش کرتیس و سارا استوارت

ترجمه از انگلیسی: کاظم فیروزمند

ویرایش: تحریریه نشر مرکز

حروف چینی: آفرین جوانی، طبعخانه آفرین بخش تولید نشر مرکز

مطبع: انتشارات آفرین حقیقی

چاپ اول: ۱۳۹۳، شماره‌ی نشر: ۱۱، ۱۶۰۰ نسخه، چاپ جباری

شابک: ۹۶۴-۲۱۳-۹۶۴-۹۶۴

نشر مرکز: تهران، خیابان دکتر فاطمی، رویه‌روی هتل لاله، پلاک ۸، شماره‌ی ۸

تلفن: ۸۸۹۷۰۴۶۲-۳ فاکس: ۸۸۶۵۱۶۰

E-mail: info@nashr-c-markaz.com

همه‌ی حقوق چاپ و نشر این ترجمه برای نشر مرکز محفوظ است.
 تکثیر، انتشار و بازنویسی این اثر یا قسمتی از آن به هر شیوه، از جمله، فتوکپی، اسکن و غیره، بدون درج مجوز کتبی و قبلی از نشر ممنوع است.
 این اثر تحت حمایت «قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان ایران» قرار دارد.

عنوان و نام پدیدآور: برآمدن اسلام / [ویراستاران: سارا سرخوش کرتیس، سارا استوارت؛ ترجمه‌ی کاظم فیروزمند]
 مشخصات فلهاری: هشت، ۱۵۲ ص. مصور

یادداشت: عنوان اصلی: The Rise of Islam, 2009، کتاب نام، نمایه
 موضوع: اسلام — ایران — تاریخ: ایران — تمدن: ایران — تاریخ: ۲۰-۶۵۴ ق: ایران — آداب و رسوم دینی
 شناسه‌ی افزوده: کرتیس، وستا س. — ۱۳۳۰ — ویراستار: استوارت، سارا، ویراستار

فیروزمند، کاظم، ۱۳۲۷- مترجم
 رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۳ / ۲ / ۹۰۹ DSR

رده‌بندی دی‌رجی: ۹۵۵

شماره‌ی کتاب‌شناسی ملی: ۳۴۰۸۹۹۴

فهرست

۱	مقدمه
۶	۱ پیدایش دوباره‌ی هویت ایرانی پس از ورودن به اسلام
۱۶	۲ بقای ایرانیّت
۳۸	۳ تداوم میراث کهن در سرزمین‌های ایرانی
۵۵	۴ اقتصاد و جامعه‌ی ایرانی در اوایل دوره‌ی اسلامی
۷۹	۵ نارنج، ماهیت و الگوریسم
	۶ چلیپا و نیلوفر
۹	۷ در هنر اسلامی بر مجلس شکار ساسانی چه رفت؟
۱۳۵	اختصارات
۱۳۶	کتابنامه
۱۴۶	نمایه

فهرست شکل‌ها

فصل شش

- شکل ۱. دیوارنگاره‌های پنجگنت، بغداد، حوالی قرن هشتم؛ مرقع، ایران و آسیای مرکزی، حدود اواخر قرن چهاردهم؛ کلیسای صلیب مقدس، نمای جنوبی، آلتامار، واسپوراگان، ارمنستان، ۹۲۰ میلادی.
- شکل ۲. دیوارنگاره‌های پنجگنت، سفید، حوالی قرن هشتم؛ مرقع، ایران و آسیای مرکزی، حوالی اواخر قرن ۱۴؛ کلیسای صلیب مقدس، نمای جنوبی، آلتامار، واسپوراگان، ارمنستان، ۹۲۰ میلادی.
- شکل ۳. نقش برجسته‌های پنجگنت، سفید، حوالی قرن ۱۴؛ مرقع، ایران و آسیای مرکزی، حوالی اواخر قرن ۱۴؛ کلیسای صلیب مقدس، نمای جنوبی، آلتامار، واسپوراگان، ارمنستان، ۹۲۰ میلادی.
- شکل ۴. داستان شهر برنجی، قسطنطنیه، ۱۸۰۳، لوحی آغاز که ورود مسافران به شهر برنجی را نشان می‌دهد.
- شکل ۵. داستان شهر برنجی، قسطنطنیه، ۱۸۰۳؛ حکایت شهر اشباح، موگانوکو ۱۸۰۳؛ دونهوانگ

فصل هفت

- شکل ۱. تاقیستان: صحنه‌ی شکار (از روی گیرشمن ۱۹۶۲، لوح ۲۳۶)
- شکل ۲. ابریشم از سانت‌آمبروجو، میلان (از روی فولباخ ۱۹۶۹، لوح ۴۶)

- شکل ۳. بازسازی ابریشم میلان (از روی یروسالیمسکایا و بورکوپ ۱۹۹۶، لوح صفحه ۱۱۵ (۱۳)
- شکل ۴. شمشه‌ی تزیینی قبطی با دو سوار، قرن ششم میلادی (از روی فولباخ ۱۹۶۹، لوح ۳۴)
- شکل ۵. مدال با امپراتور در حال شکار شیر، احتمالاً قرن هشتم میلادی، موزاک (از روی فولباخ ۱۹۶۹، لوح ۵۵)
- شکل ۶. مدال ابریشمین با دو سوار، ماستریخت (از روی فولباخ ۱۹۶۹، لوح ۴۷) ۱۱۹
- شکل ۷. بافته‌ی روسوم به ابریشم یزدگرد، برلین (از روی فن فالکه ۱۹۱۳، لوح ۱۰۵) ۱۲۱
- شکل ۸. ابریشم یزدگرد روی بریه ۱۹۳۶، لوح ۸۶) ۱۲۳
- شکل ۹. ابریشم زاپنی با الهام از ساسانی (برگرفته از گیرشمن ۱۹۶۲، لوح ۴۴۵) ۱۲۵
- شکل ۱۰. ابریشم زاپنی با الهام از ساسانی (برگرفته از گیرشمن ۱۹۶۲، لوح ۴۴۴) ۱۲۶
- شکل ۱۱. ابریشم زاپنی با الهام از ساسانی (برگرفته از گیرشمن ۱۹۷۵، لوح ۸۲) ۱۲۸

مقدمه

وستا سرخوش کُرتیس

و

سارا استوارت

جلد چهارم از مجموعه‌ی *ایرانی ایران* به گذار از ایران ساسانی پیش از اسلام که در آن آیین زرتشت دین رسمی بود، به تسلط ایران به دست اعراب و در پی آن قبول اسلام می‌پردازد. این دوره‌ی گذار یکی درک تاریخ ایران و تحول بعدی‌اش بسیار مهم است. هفت مقاله‌ای که در این کتاب ارائه می‌شود برخی از تغییراتی را مستند می‌کند که با استقرار نظام حکومتی نخبگان ساسانی رخ داد.

مقاله‌ها، همچون کتاب‌های پیشین این مجموعه، رشته‌های مختلف شامل تاریخ، هنر، دین، ادبیات و علوم انتخاب شده است. در این کتاب، پژوهش‌گرانی را گرد هم آورده‌ایم که به‌خاطر تخصص خود در فرهنگ عرب و ایرانی، ساخته شده‌اند، و باز مسئله‌ی هویت ایرانی در اینجا اهمیت مطلق دارد. هر پژوهش‌گر جنبه‌ی خاصی از بقای شگفت‌انگیز «ایرانیت» در این دوره‌ی گذار را بررسی می‌کند. با وجود از دست رفتن دین قدیم و تأثیر اسلام و قومیت حاکمان جدید، در این زمان بود که مقدمات شکوفایی زبان فارسی جدید و ظهور دوره‌ی تازه‌ای از فرهنگ ایرانی فراهم گشت.

فصل آغازین نگاهی به ایرانِ اواخر ساسانی است و دلایل سقوط این امپراتوری قدرتمند را بررسی می‌کند. پروفسور احسان یارشاطر بر آن است که عامل عمده‌ی

دخیل در زوال سلسله‌ی ساسانی چیزی جز «پیری» نبود. در پایان سلطنت خسرو دوم، امپراتوری ساسانی در حال زوال بود. در این زمان بود که اعراب حجاز، پشتگرم به دین جدید، قدرت آن را یافتند که سرزمین‌های وسیع خاور نزدیک باستان را درنوردند و اسلام را در منطقه اشاعه دهند. یارشاطر به عنصر ظفرنمون در طول این دوره‌ی شکست سیاسی توجه می‌دهد که در خیزش‌های شرق ایران نمایان است و به سقوط سلسله‌ی اموی و ظهور خلافت عباسی انجامید. او به «هویت متمایز ایرانی در درون جهان اسلام» و «جوشش انرژی فرهنگی در ایران در قرون اولیه‌ی اسلامی» اشاره دارد.

هیو کلس این سؤال را مطرح می‌کند که با توجه به فتوحات اسلام در نواحی دیگری چون سوریه، عراق، و مصر که در آنها عربی زبان میانجی شد و جای نماند، ایرانی و پهلوی و آرامی را گرفت، چرا ایران کشوری عربی نشد. میراث ادبی شاهنشاه ساسانی و همچنین وابستگی مداوم به ارزش‌های فرهنگی ایران به دلیل است که کندی ذکر می‌کند تا محفوظ ماندن هویت ایرانی را توضیح دهد. او همچنین «این نکته اشاره می‌کند که «نخبگان ایرانی اسلام را برگرفتند و سازکار ساختند» بحث کندی در خصوص سلسله‌های ایرانی گوناگون محلی در شمال ایران همچون اسپهبدان تبرستان به‌ویژه جالب است. این سلسله به لحاظی در نتیجه‌ی دو افتادگی جغرافیایی کرانه‌های دریای خزر توانستند در برابر جزیه‌ای که به حاکمان مسلم می‌دادند نوعی استقلال به‌دست آورند. در بخش جنوب شرقی خزر، باوندیان که در قرون نهم اسلام آوردند، استقلال سیاسی و هویت فرهنگی خود را تا یورش مغولان چهاردهم حفظ کردند. استفاده‌ی پیوسته‌ی آنها از نام پادشاهان همچون شاپور، شریار، و ستم و دارا بازتاب وابستگی آنان به ایران پیش از اسلام است. نکته‌بینی‌های دیگر علاوه بر بقای نخبگان ایرانی پس از انقلاب عباسی در ۷۵۰ میلادی (برعکس زوال اشکانیان در مصر عهد بیزانس) همچنین آنچه کندی ماهیت «یکسره موروثی مروت‌ها در جهان ایرانی» می‌نامد. شواهد آن را در تذکره‌های کتاب‌شناختی باقی‌مانده از این دوره که به نظر می‌رسد موردی ویژه‌ی ایران است و همچنین روایات ادبی ایران پیش از اسلام که در ادبیات فارسی جدید نفوذ کرده است می‌توان یافت. ادموند بازورث با میراث ایران ساسانی و تأثیری که بر سلسله‌های محلی

در اوایل دوره‌ی اسلامی داشته است بحث را پی می‌گیرد. او همچنین به «تبار شاهزادگان» در کرانه‌های خزر اشاره دارد که نسل و نسب‌شان به ساسانیان می‌رسید. او همچون کندی بر آن است که پیوند دائم با گذشته یکی از دلایل اصلی بود که برخی سرزمین‌های ایران توانستند استقلال سیاسی خود را حفظ کنند. در تاریخ ایران قرن دهم، ظهور آل‌بویه از اهمیت زیادی برخوردار است که در آغاز قرن یازدهم به «مصرفاتش از شمال میان‌دورود (بین‌النهرین) تا جنوب شرقی ایران گسترده بود» نمود مهم «دل‌تنگی» آل‌بویه برای «گذشته‌ی باستانی ایران» استفاده‌ی آنان از عناوین شاهنشاهان بود. در شرق ایران، سامانیان ورارود (ماوراءالنهر) و خراسان به رستخیز زبان و ادب فارسی جدید بسیار یاری دادند که تبلور آن در شاهنامه‌ی فردوسی به اوج رسید؛ زمانی که این حماسه به پایان رسید، غزنویان قدرت را از سامانیان گرفتند.

ریچارد بولیت مقاله‌ی خود را با این پرسش آغاز می‌کند که آیا رونق ایران اسلامی برخاسته از پوشش فاتحان نو سیده بود یا ایرانیان بومی؟ او به این نکته اشاره می‌کند که پس از سقوط بنو‌امیه، تجزیه‌ی سیاسی ایران مانع از آن است که تاریخ ایران را بتوان در کلیت آن در نظر گرفت. او بر آن است که باید به حوزه‌های اقتصادی و اجتماعی رو کرد. بتوان روند تاریخ سیاسی ایران را درک کرد. بولیت بر «لحظه‌ی خاصی از تحول، آن رونق و رکود» شگفت‌انگیز در اقتصاد، تمرکز می‌کند که نتیجه‌ی رواج کشاورزی به مرز فلات ایران بود. این صنعت نه تنها سودآور بود بلکه به پیدایش قانون‌های شهری جدید بر پایه‌ی فرایندهای متعدد دخیل در تولید و صادرات پنبه یاری داد. «مختصر این نکته مهم است که استفاده از پارچه‌ی حاصل از پنبه را احکام مذهبی تأیید می‌کرد. قشر جدید روحانی اهمیت و سادگی آن را برخلاف پارچه‌ی ابریشم که در زمان ساسانیان مطلوب بود، متذکر شد و توصیه کرد. «علما در جامعه‌ی اسلامی از رهگذر تأیید و تشویق مصرف محصولات نخی و اشتغال کامل به تولید آن در قانون جریان شهرنشینی و تجارت قرار گرفتند». نشانه‌های رکود اقتصادی در قرن دهم با از میان رفتن رونق حاصل از پنبه بروز کرد؛ اما تغییر شدید آب و هوا، آن «سرمای بزرگ» قرن یازدهم، به نظر بولیت دلیل اصلی رکود اقتصادی بود که یک قرن طول کشید. این دوره‌ی آبادانی اگرچه نسبتاً کوتاه بود، بر تحولات

اجتماعی، اقتصادی، مذهبی، زبانی و سیاسی، هم در داخل ایران و هم بسی فراتر از مرزهای آن، تأثیری دیرپا گذاشت.

لوتس ریشتر - برنبرگ به دهش‌های دانشوران اسلامی به حوزه‌ی علم و طب و طرز نگاه اروپاییان به آن در نیمه‌ی دوم قرن دهم توجه می‌کند. او با نارنج و ماهیت و الگوریتم به نقشی اشاره می‌کند که ایران در اشاعه‌ی علم و دانش از اوایل دوره‌ی اسلامی تا دوران سلجوقیان «پیش از ترک‌ها» ایفا کرده است. ریشتر - برنبرگ خواننده را با خود به سفری از تنگه‌ی جبل الطارق تا رود سند می‌برد. شرح می‌دهد که چگونه آثار طبیبان و حکیمان ایران اسلامی از طریق جهان عرب به اروپا رسید. و گزارش می‌دهد که خیره‌کننده‌ای از خدمات دانشمندان برجسته‌ای چون رازی و ابن سینا می‌دهد که با وجود ملیت ایرانی‌شان به عربی می‌نوشتند که «زبان ممتاز علم» در آن زمان بود. قدیمی‌ترین درسنامه‌ی پزشکی طب و طبابت و قدیم‌ترین دانشنامه‌ی داروسازی به زبان فارسی به نیمه‌ی دوم قرن دهم تعلق دارد و نخست در شرق ایران نوشته شد. فارسی فقط پس از تسلط ترکان سلجوقی زبان پزشکی شد.

جیمز راسل مقالش را «سلطنتی از متون زرتشتی بازمانده در پهلوی‌نامه آغاز می‌کند. اینها عمدتاً محتوای دینی دارند و چنان‌که راسل اشاره می‌کند درباره‌ی حیات هنری و دنیوی در عصر ساسانیان چندان مطلبی ندارند (در اینجا باید توجه داشت که وفور ادبیات دینی سه قرن پس از تسلط اعراب حاکی از حضور مداوم روحانیت فعال زرتشتی است که بر آن بودند تا دین کهن را محفوظ دارند). راسل با اشاره به «جاده‌ی ابریشم تفکر» از مقاله‌ی غیردینی که در اوایل دوره‌ی اسلامی پدید آمد و نحوه‌ی نفوذش در ادبیات دیگر فرهنگ‌ها از طریق «مسلمانان ایرانی نوپدید» که خود را وقف پاسداری از گنجینه‌های دینی می‌پنداشتند، سخن می‌گوید. راسل نشان می‌دهد که چگونه قصه‌ی ادبی و تکه‌هایی از داستان‌های حماسی که به زبان عربی و فارسی برای ما شناخته‌اند اما چندان چیزی از آنها در فارسی میانه مشهود نیست، نظایری در دیوارنگاره‌های پنج‌کنت یافت. او این نمایش بصری با «جنگ» مضامین فرهنگی را که بازرگانان ثروتمند سغدی را در لحظات فراغت مشغول می‌داشت با جنگ ارمنی یا زبده‌ی حکایت‌های مشهور به داستان شهر برنجی - قصه‌ای که عنوان کتاب هم هست - مقایسه می‌کند. راسل با هم‌آمیزی خارق‌العاده‌ی مضامین ادبی این متن، الگوی

پیچیده‌ی تماس‌های میان‌فرهنگی را پی می‌گیرد که حاکی از «چندآوایی در نمایش شخصیت‌های ادبی است به‌گونه‌ای نه خطی و نه پایگانی، با غلغله‌ی آواهای مختلف اجتماعی، قومی و مذهبی که بر هم اثر می‌گذارند».

رابرت هیلنبراند به مضمون مجلس شکار ساسانی در هنر اسلامی اولیه، از ۶۳۷ تا ۱۰۵۵ میلادی - درست تا آمدن ترکان سلجوقی - نظر می‌کند. او چهار قرن نخست اسلامی را «عصر ظلمت» هنر ایرانی می‌انگارد که در ضمن آن مسند قدس از ایران برداشته شد و به غرب انتقال یافت. هیلنبراند می‌پذیرد که اطلاعات موجود کم‌تر از آن است که بتوان تصویر موثقی از تحولات هنری در دوره‌ی اولیه به دست داد. معتقد است معانی منسوب به سنت‌های باستانی به مرور زمان تغییر می‌کند؛ این شرایط را، گرچه در اشکال جدید، باز می‌مانند و تصاویر باستانی معنای تازه‌ای می‌یابند. صحنه‌های بزرگ شکار در نقش‌برجسته‌های ساسانی، چنان که نقش تاج‌بستان در کرمانشاه می‌بینیم، و تصاویرهای پادشاه ساسانی به صورت شکاری بر روی دیوار و نقره، در هنر اسلامی «معنای مجازی پیروزمندانه‌ای خود را از دست می‌دهد. من گونه صحنه‌ها چنان که در تعدادی از منسوجات و در شمایل‌نگاری اوایل سده‌ی ساسانی اسلامی دیده می‌شود، حاکی است که مضمون شکار از سنت‌های کهن، شناخته‌ای عاریه شده است که دیگر کاملاً مفهوم نیست. هیلنبراند می‌گوید هنرمندان از گذشته عاریه می‌گرفتند اما تصویر را با نگرش خود درمی‌آمیختند: «... اینها در عین تصاویر شکوه و قدرت سلطنتی است که به طرز شگفت‌آوری بهبودپذیر بودند و می‌توانست بر خطاهای بسیار در جزئیات و تناسب فائق آید».

پرداختن به همه‌ی جنبه‌های این دوران مهم در تاریخ و فرهنگ ایران خارج از حیطه‌ی بررسی‌های هفت مقاله است. با این همه اهمیت این کتاب در تنوع خارق‌العاده و موضوع و عمق توجه هر پژوهشگر است. مضمون یگانه‌ای از مقاله‌های این کتاب برمی‌آید که درباره‌ی «مفهوم ایران» و پایداری هویت آن در زمانی است که تغییرات عمیقی هم به لحاظ سیاسی و هم مرتبط با مذهب رخ می‌داد.